

سلسلہ دروس خارج

# اصول فقہ

استاد پیدہ حسن خمینی

موضوع: تمایز علوم

جلسہ:

۲۴

تاریخ:

۱۹/۸/۱۰

بحث چهارم:

# تمایز علوم

بررسی نظریه دوم : نظریه مرحوم بروجردی (رحمة الله عليه)

## خلاصه فرمایش آقای بروجردی

هر علم، قضایایی دارد

۱

هر قضیه، «موضوع و محمول» دارد

۲

موضوع قضایای یک علم، با یکدیگر فرق می کنند ولی محمول آنها یکی است

۳

محمول قضایای یک علم با محمولات قضایای علوم دیگر، متفاوت است.

۴

موضوع برای محمول و محمول برای موضوع، عرضی است

۵

بحث از موضوع، بحث از عوارض ذاتیه محمول و بحث از محمول، بحث از عوارض ذاتیه موضوع است

۶

موضوع یک علم، جامع محمولات قضایای آن علم است (توجه : موضوع یک علم با موضوع مسائل علم

۷

فرق دارد)

۲

## خلاصه فرمایش آقای بروجردی

هر علم قضایایی دارد که موضوعات آن قضایا، عوارض ذاتی محمول هستند

۸

بحث در هر علم از عوارض ذاتی جامع محمولات می باشد

۹

وقتی گفتیم «جامع محمولات موضوع یک علم است»، پس بحث در هر مسأله پیرامون عوارض ذاتی موضوع آن علم است

۱۰

در حقیقت باید در قضایای یک علم، جای موضوع و محمول را عوض کرد. پس جامع محمولات، جامع موضوعات مسائل است

۱۱

پس : موضوع یک علم، جامع موضوعات مسائل آن علم است.

نتیجه

۳

نقد اول مرحوم فاضل :

مشکل دور در کلام مرحوم بروجردی

«به دست آوردن جامع محمولی» متوقف بر «روشن بودن تمام مسائل (حتی مشکوک)»

«روشن شدن مسائل مشکوک» متوقف بر «به دست آوردن جامع محمولی (ملاک

تمایز)»

## بررسی نقد اول

ما می‌گوییم:

۱. این اشکال در نظریه «تمایز علوم به تمایز موضوعات» وارد است

۲. جامع محمولی بعد از کنار هم قرار گرفتن محمولات، به دست نمی‌آید

بلکه واضح، مفهومی (جامع محمولی) تصور می‌کند و مصادیق را به عنوان محمول قرار می‌دهد.

نقد دوم مرحوم فاضل :

سازگار نبودن کلام مشهور با مبنای آقای بروجردی (ره)

ایشان فرمود: «مراد مشهور از موضوع علم، همان جامع بین محمولات است»  
در حالی که مشهور موضوع علم نحو را «کلمه و کلام» می داند که جامع بین  
موضوعات است نه محمولات

## بررسی نقد دوم

ما می‌گوییم:

عقیده مرحوم بروجردی: موضوع علم نحو «کلمه و کلام من حیث الاعراب» است

بلکه «حیثیت اعراب» موضوع علم نحو است

و «حیثیت اعراب» جامع مرفوع و منصوب است



نقد سوم مرحوم فاضل :

فراگیر نبودن مبنای آقای بروجردی در همه علوم

بعضی از علوم (مانند عرفان) موضوع در تمام مسائل یکی است ( الله موجود، الله عالم و .. )

## بررسی نقد سوم

ما می‌گوییم:

**ان قلت:** اینجا هم جای موضوع و محمول عوض شود (موجود هو الله، عالم هو الله ..) پس: تمایز مسائل یک علم به موضوعات آنها است.

**قلنا:** ۱. مقدمه ۵ برای آن بود تا «جامع محمولی» تبدیل به «جامع موضوعی»

شود نه اینکه

موضوع، محمول شود

۲. به طور کلی باید «معرفه» (الله) موضوع، و «نکره» (موجود) خبر باشد

نقد چهارم

فراگیر نبودن مبنای آقای بروجردی در همه علوم  
این گونه نیست که مسائل یک علم به سبب موضوعاتشان با هم متمایز باشند  
(مانند جغرافیا)

نقد پنجم

ناسازگاری مقدمه اول و پنجم :

طبق مقدمه پنجم، در هر مسأله جای موضوع و محمول عوض می شود

در این صورت موضوع مسائل به محمولات مسائل تبدیل می شود

**نتیجه :** مقدمه اول نادرست می شود و تمایز مسائل به محمولات خواهد بود و

اشتراک مسائل به موضوعات

بحث چہارم:

# تمایز علوم

بررسی نظریہ سوم : نظریہ مرحوم نائینی (رحمة الله عليه)

## توضیح مبنای مرحوم نائینی

موضوع علم مرکب است از : (مثلا) «ذات موضوع» + «حیثیت تقییدیه»

مثلا موضوع در نحو : کلمه + حیثیت اعراب

موضوع در صرف : کلمه + حیثیت صحت و اعتلال

علت اتخاذ این مبنا : مشکلِ «یکی شدن موضوع برخی از علوم»

مرحوم بروجردی، موضوع علم نحو را «حیثیت اعراب» و نه «کلمه و حیثیت اعراب» می دانست.

## نقدِ مبنای مرحوم نائینی

۱. تفاوت بعضی از علوم، به تفاوت محمولات آن ها می باشد  
(محمولاتِ فلسفه «موجود» و محمولاتِ اصول «الحجة فی الفقه» می باشد)

۲. پیدا کردن «وجه تمایز» برای مشخص کردن قضایای مشکوک است.  
(اگر یک علمی حولِ یک محمول واحد شکل گرفته باشد، چه نیازی به حیثیات موضوع داریم)

۳. ایشان فرمود « تمایز العلوم بتمایز الموضوعات تمایز الموضوعات بتمایز الحیثیات »  
اشکال اول : بعضی از علوم با ذات موضوعشان، متعدد است  
اشکال دوم : بعضی از علوم، حیثیتشان یکی است

## نقدِ مبنای مرحوم نائینی

۴. ما سابقاً ثابت کردیم که علوم احتیاجی به موضوع ندارند  
(گرچه اشکالات سه گانه مطرح شده قابل پاسخگویی است)  
ولی اشکالات چهارگانه امام در این جا جاری است :
۱. تطور علوم حول یک موضوع نبوده است
  ۲. تعیین موضوع، موجب تکلف زیاد می شود
  ۳. تعیین موضوع، موجب استطراد بسیاری از مسائل می شود
  ۴. وجود قضایای سلبیة